

## داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی

### تأملی انتقادی در روش، محتوا، و مدعای اثر

قدیر نصری\*

#### چکیده

تأمل درباب کار و فکر داعش و دیگر گروه‌های مشابه اهمیت حیاتی دارد. مجموعه آثار تولیدشده درباب این گروه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: آثار گزارشی یا روایی و آثار پژوهشی یا تأملی. کتابی که در این مجموعه واری می‌شود در عداد کتب و آثار تأملی است که نویسنده آن به سیاقی نظری به تفحص در بطن افعال و افکار داعش می‌پردازد. در وضعیتی که برخی محققان داعش را یک سانحه و بعضی آن را برنامه‌ای سنجیده می‌نامند نویسنده‌ای به‌نام بختیار علی سخن تازه‌ای می‌گوید. به‌باور او، داعش و کارهایش تازگی ندارد؛ به این علت که داعشیان کاری را می‌کنند که بعضی‌ها و اعضای القاعده کرده‌اند و گروه‌های بالقوه دیگر خواهند کرد! او این کارهای دهشت‌بار و ادعاهای زمان‌پریش را به هویت‌پرستی ازلی‌گرا و جاودانه نسبت می‌دهد و بر آن است که مقوله‌ای به‌نام عقل شرقی سرچشمه این خشونت‌هاست. او ماهیت و مکانیسم این مفهوم ابداعی را شرح نمی‌دهد، اما با تمرکز بر هویت‌ستایی یا هویت‌پرستی جنون‌آمیز تحلیل جدیدی از داعش به‌دست می‌دهد که درمیان اقسام تحلیل‌های مطرح‌شده شایان توجه است. آنچه در ادامه می‌خوانید شرح‌نظر بختیار علی و البته نقد روش و داوری‌های اوست که به سیاق نقد متون علوم انسانی انجام یافته است.

**کلیدواژه‌ها:** خشونت شرقی، عقل فاشیستی، رهایی بدون رهایی‌بخش، خشونت رادیکال.

---

\* عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی، nasrister@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۵

## ۱. مقدمه

روایت غالب در پدیداری داعش این بود که گروهی زخم‌خورده و ملتزم به تفسیر قشری شریعت با بهره‌گیری از فروماندگی دولت‌های مقتدر منطقه و نیز درپی عقب‌نشینی ایالات متحده از عراق (۲۰۱۴ م) سودای خلافت داشتند و با فراخوانی مجاهدان جهان به جهاد فی سبیل الله و هجرت به سرزمین خلافت میلیون‌ها مسلمان را آواره کردند تا اسلام موردنظر خود را احیا کنند. در این میان، به نقش دولت‌های رقیب در منطقه هم اشاره می‌شود که برای به‌شکست‌کشاندن رقیب عمق استراتژیک هم‌دیگر را هدف قرار دادند و منطقه شامات و بین‌النهرین به میدان نقش‌آفرینی چندین دولت دور و نزدیک بدل شد؛ اما متفکری نکته‌سنج و دغدغه‌مند به نام بختیار علی<sup>۱</sup> در کتاب *داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی* روایت دیگری از ماجرا دارد و آنچه درپی می‌خوانید شرح روایت ایشان و تأملی انتقادی بر روش و یافته و انسجام این روایت بکر و جذاب است. بنابراین، برای پرسش صحیح و منصفانه درباره موضوع سعی می‌شود در قالب چهار پرسش متعارف در نقد نظر (idea review) سخن مرکزی بختیار علی توضیح داده شود و موردارزیابی قرار گیرد. آنچه در ادامه می‌آید تأملی انتقادی در محتوا و شکل کتاب بختیار علی است.

## ۲. دغدغه و یافته اصلی بختیار علی چیست؟

با تأمل در دقایق کتاب *داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی* می‌توان چهار عبارت را به‌عنوان یافته یا سخن مرکزی نویسنده قلمداد کرد:

الف) خشونت داعشی مانند خشونت‌های بعثی‌ها، القاعده، و حتی ناسیونالیست‌های ترکیه یک سرچشمه دارد: تأکید دیوانه‌وار بر هویت و آرزوی جدایی من از دیگران.

به‌باور بختیار علی، این تأکید بر جدایی و تبعید دیگری از نزد خود متعلق به امروز یا دهه اخیر نیست، بلکه یک‌صد سال است که سایه‌به‌سایه با شرقی‌ها زندگی می‌کند و فقط رنگ و عنوان عوض می‌شود، یعنی به فراخور مناطق و زمانه لعاب دینی، ناسیونالیستی، مارکسیستی، یا لیبرالیستی به‌خود می‌گیرد.

ب) داعش بازیگری قدرت‌مند نیست، بلکه بازیگری سیال است که از حضور دیگری وحشت دارد. این بازیگر وحشت‌زده نمی‌تواند با عقد قرارداد دیگری را بپذیرد؛ فقط با انحلال دیگری یا تسلیم و تحقیر «دیگری» است که به حیات خود ادامه می‌دهد. چنین حسی محدود به داعشی‌ها نیست؛ ناسیونالیست‌ها نیز این‌گونه‌اند. تعریف‌کردن خود با

هویت دینی / قومی سوخت ماشین خشونت است که در سده اخیر شرق را فراگرفته است. از این رو، به باور بختیار علی، داعش را نمی‌توان با موشک و یورش نظامی نابود کرد؛ داعش هنگامی از بین می‌رود که تفکر فاشیستی (بیگانه‌دیدن پیروان دین، مذهب، و قوم دیگر) از بین برود، یعنی تازمانی که دیگران را بیگانه می‌بینیم، اسیر عقل فاشیستی هستیم. عقل فاشیستی تأکید می‌کند که من شبیه تو نیستم و ما دو چیز متفاوت هستیم. تقدیس جنون‌آمیز تفاوت منشأ جدال‌های بی‌پایان شده است و یگانه راه ختم آن ساختن جبهه‌ای علیه فاشیسم است. فاشیسمی که فردیت انسان‌ها را به نفع علایق استراتژیک بنیادگرایانه، پان‌ترکیسم، پان‌عربیسم، سکولاریسم، و لیبرالیسم مصادره می‌کند.

پ) مدرنیته به عنوان نیرویی ساختارشکن و سنت‌زدا که هویت‌های ثابت و بسته را زیر و رو کرده و سبب شورش حامیان و حاملان هویت‌های پیشامدرن شده است، سومین سخن مرکزی بختیار علی به‌شمار می‌آید. بدین مضمون که مدرنیسم همه چیزهای ثابت و همیشگی را به هوا می‌فرستد و با ورود این ایدئولوژی به شرق دو نوع هویت رویاروی هم قرار می‌گیرند: هویت ثابت که ازلی، جاودانه، لاینحرف، تاریخی، و باشکوه قلمداد می‌شود و هویت سیال که به صورتی سیال، لحظه‌ای، متغیر، و گشوده است و می‌تواند بنابه شرایط و مقتضیات با هویت‌های دیگر رابطه‌ای دوستانه داشته باشد (بختیار ۱۳۹۴: ۳۳). به باور بختیار علی، مدرنیسم سیال هویت‌های ثابت را به چالش کشیده است. هویت‌گرایان نمی‌توانند با مدرنیته و بدون مدرنیته زندگی کنند (Liab greenfield 2000: 607).

ج) ابتدال لیبرالیسم و مدرنیسم در شرق موجب تمدید سلطه و تشدید خشونت شده است. در نگاه بختیار علی، مدرنیسم و لیبرالیسم شرقی به هیچ وجه اصیل نیست و به جای رهایی‌بخشی فقط به خشونت دامن می‌زند. حزب سیاسی در شرق یک دستگاه امنیتی است: انتخابات اقتدار بیش‌تری به دولت می‌دهد و به‌طور کلی، عقلانیت لیبرال شکل جدیدی از فاشیسم است که موجب عوارض زیر شده است:

- رسانه‌های پیرو فرهنگ توده / عوام؛
- دورکردن کودکان از خانواده و تبدیل آن‌ها به ماشین مصرف؛
- مرگ احساسات شاعرانه و خیال در زندگی؛
- کنترل وحشت‌ناک جسم؛
- حیران کردن زنان؛
- دربندکردن انسان با قانون؛

- تحمیل سرمایه‌داری و معرفی آن به‌عنوان وضعیتی طبیعی و عادی؛
- گسترش نژادپرستی و رویارویی انسان‌ها، شهرها، و گروه‌ها در برابر هم؛
- وداع با مخالفت رادیکال و جای‌گزینی آن با فرهنگ گفت‌وگو.

بختیار علی در مطالب یادشده، به‌طور عمیق و صریح از منظر یک انقلابی رادیکال و از پشت عینک اسلاوی ژیزک به تحلیل و تجویز می‌پردازد و گروهی مثل داعش را ادامه طالبان، هیتلر، نوریه‌گا (در پاناما)، و القاعده می‌شمارد که مازاد و مولود همین نظام سرمایه‌داری است و سرمایه‌داری غربی می‌خواهد داعش را مانند یک سرهنگ فراری دست‌گیر کند، مجازات کند، و در این عملیات تمامی کوشش نظام سرمایه‌داری این است که به‌گونه‌ای تبلیغ کند که کسی متوجه نشود. در واقع، سرمایه‌داری می‌خواهد با فداکردن طالبان، القاعده، داعش، صدام حسین، و ... خود را یک فریادرس و منجی نشان دهد.

### ۳. چه مطالبی از کتاب بختیار علی آموختم؟

بعد از روایت دغدغه مرکزی کتاب داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی اکنون نوبت به پرسش دوم می‌رسد. از آن‌رو، این پرسش اهمیت دارد که نماگر «انصاف در داوری» است. بدین معنا که ناقد شأن یک سنجش‌گر را دارد و وظیفه سنجش‌گر نه فقط افشا و مطایبه، که اذعان به تمایزهای اثر نیز است. بر این اساس، آن‌چه نگارنده به‌عنوان نکته‌های بدیع در کتاب بختیار علی یافته است بدین قرارند:

- آموخته یکم: فراروی و عبور از وقایع‌نگاری / شروع تأمل و پردازش نظری کتاب بختیار علی عبارات نغز و پرمعنایی دارد. او هرگز اهل توصیف و روایت‌کردن و مشتاق ارجاع‌دادن نیست. شاید درکل کتاب او ده رفرنس هم دیده نمی‌شود. او بعد از گردآوری داده‌های عینی مخاطب را بر سفره نظریه و یافته خود می‌نشانند و نشانی‌های متعدد و انبوه و متعارض نمی‌دهد.
- آموخته دوم: طرح این ایده نو: هویت‌پرستی و تقدیس تبار خود متضمن طرد و تحقیر دیگری است.

بختیار علی با ذکر مواردی مکرر از تلاش گروه‌های تکفیری، بعثی‌ها، ناسیونالیست‌ها، فاشیست‌ها، و داعش بر این عبارت مهم صحنه می‌گذارد که هویت‌جویی افراطی ذاتاً موجب فاصله‌گیری از دیگری و تحقیر او می‌شود؛ بدون آن‌که دیگری یا رقیب را از حیث

فیزیکی نابود کند. بدین ترتیب، هر خشونت و طردی سبب فشرده‌شدن کین‌توزی و عزم کین‌توزان برای انتقام در هنگامه مساعد می‌شود (Reicher and Hopkins 2001: 62).

- آموخته سوم: اتصال دادن ظهور داعش به بدکارکردی نظام سرمایه‌داری حضور فعال ایده‌های اسلاوی ژیتک در جهان فکری بختیار علی بسیار آشکار و عمیق است. بختیار علی با استناد مکرر به کتاب خشونت: پنج نگاه زیرچشمی، از نشانگان خود لذت ببرید و دیگر آثار ژیتک به‌طور صریح از سخن مرکزی ژیتک (ضرورت بازگشت به کمونیسیم از طریق استراتژی ایستادگی و خشونت انقلابی و یورش واقعی علیه سرمایه‌داری) دفاع می‌کند و داعش را یک سرهنگ فراری از پادگان نظامی سرمایه‌داری می‌شمارد. فارغ از قوت و ضعف سخن ژیتک و استناد بختیار علی به آن نفس استوارسازی بحث بر یک چهارچوب نظری از حیث روش‌شناختی ارزش‌مند است.

- آموخته چهارم: کاربست نظریه معروف دریدا (رهایی: بدون رهایی‌بخش) برای تبیین وقایع کوبانی

در مورد وضعیت ویژه کوبانی، در شمال سوریه، داوری‌های ویژه و بدیعی صورت گرفته است. کوبانی ۲ از موقعی زبان‌زد شد که در معرض حمله نیروهای داعش قرار گرفت. داعش که به شیوه‌ای خشونت‌بار شهرها را یکی پس از دیگری می‌گشود، کوبانی را هم منطقه‌ای مهم می‌شمرد و بر آن بود که این شهر را نیز بر فتوحات خود اضافه کند. این شهر در شمال شرقی استان حلب و در مرز ترکیه و کناره شرقی فرات واقع شده است و تصرف آن در برنامه داعش بسیار حیاتی بود، چون موجب رهایی داعش از محاصره می‌شد و آن را به مرزهای ترکیه می‌رساند. مقاومت جمعیت پنجاه هزار نفری، به‌خصوص نقش ممتاز زنان در این ماجرا، کوبانی را به نهادی از مقاومت اجتماعی و کانتونی بدون تبعیض بدل ساخته بود. بختیار علی در کتاب داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی در جواب منتقدی به‌نام مریوان وریاقانع مخالف تابوسازی کوبانی است و در پاسخ به مریوان وریاقانع، که کوبانی را «تحقق آرمان‌شهر مطلوب ناسیونالیستی» (بختیار ۱۳۹۴: ۹۳) می‌شمارد، تصریح می‌کند که باید از ایده ژاک دریدا در نظریه «رهایی بدون رهایی‌بخش» یا «messianisch ohne massias» بهره گرفت. معنی این نظریه این است که شخص رهایی‌بخش یا فریادرس هیچ‌وقت ظهور نمی‌کند و نزد ما نمی‌آید. انتظارکشیدن برای رهایی‌بخش از آمدن و ظاهر شدن او با ارزش‌تر است. مسیحای رهایی‌بخش یا فریادرس تا زمانی ارزش‌مند و دلگرم‌کننده است که نیامده باشد و «از ما دور باشد و ما منتظر او باشیم. هرگاه ظاهر شود و بگوید من مسیحا هستم، در

این لحظه به پایان خود به‌عنوان یک مسیحا می‌رسد و مسیحا همان فریادرسی است که نباید بیاید» (همان: ۹۲). به‌باور بختیار علی، مسیحا یا رهایی‌بخش تا آن‌جا معنا خواهد داشت که فرم تاریخی به‌خود نگیرد و در پروژه حزبی و ملی و مذهبی برجسته نشود (همان: ۹۳). دریدا رهایی بدون رهایی‌بخش را یک وعده یا پیمان (versprechen) می‌بیند نه یک برنامه، درحالی‌که ازدید بختیار علی، افرادی مانند مریوان و ریاقانع آن وعده را بدل به برنامه می‌کنند و کارکرد امیدانگیزی را از آن می‌گیرند.

به‌نظر می‌رسد، کوشش بختیار علی برای درک و کاربست این قسم نظریات برای فهم موضوعاتی چون کوبانی فی‌نفسه ارزش‌مند است. بحث دریدا و نیز بختیار علی درباب منتظر بودن و نیندیشیدن برای افق انتظار از حیث تأملات ذهنی و فرارفتن از بحث‌های صرفاً عینی ارزش‌مند و آموزنده است.

#### ۴. با کدام‌یک از مطالبی که در بختیار علی آموختم موافقم؟

همان‌گونه‌که پیش‌تر عنوان شد، سومین مرحله از نقد یک اثر این است که موارد موافقت ناقد با اثر موردبررسی آشکار شود. این پرسش نمایان‌گر تعظیم و تکریم اثر و نظر در نگاه ناقد است. در نخستین سطور این مقاله تصریح کردیم که معنای اصلی و نخست نقد «سنجیدن» و تعیین عیار و ارج اثر است نه تخریب یا تحقیر نظر و خالق آن. بر این اساس، نگارنده این سطور حداقل پنج گفته و گزاره زیر را از بختیار علی آموخت و با آن‌ها موافق و هم‌سوست. موارد قابل‌تأیید در کتاب بختیار علی عبارت‌اند از:

هویت‌پرستی به‌مثابه موتور محرکه فاشیسم و فاصله‌گیری فزاینده از «دیگری»؛

باور به وجود یک «دیگری بزرگ» و تلاش برای حذف، طرد، و اخراج آن؛

تبدیل سیاست به «گزارش یک ترس شدید درونی» و کشتن دیگری به‌حکم یک

ترس درونی؛

انهدام و بلا موضوع ساختن تفاوت به‌عنوان مقدمه‌ای برای تولید انسانی طراز نوین؛

اصالت جنگ برای زندگی / تصنعی بودن جنگ برای ایدئولوژی.

بختیار علی به‌جای مطالعه خشونت‌های موردی در نگرشی کلان خشونت را در شرق

زاده ساختاری سراسری و جهانی می‌شمارد. او سرمایه‌داری غربی را مولود عقلانیت علمی

و تکنولوژیک می‌شمارد و تاریخ غرب را متمایز از شرق می‌داند؛ اما سرمایه‌داری شرقی

درنگاه بختیار علی،

زمینه تکنولوژیک و عقلانی ندارد که بتواند پروسه درهم شکستن و بازسازی هویتی را برایش فراهم کنند. به همین خاطر، (کاپیتالیسم شرقی) پیوسته به توقف، عدم تغییر، تقلید، و تکرار وابسته است. در مدرنیسم شرقی هیچ پل ارتباطی وجود ندارد که تفاوت‌ها و هویت‌های مختلف را به هم نزدیک کند، بلکه برای انسان‌ها تنها قفل و درهای بسته دارد. هویت ملی، قبیله‌ای، و دینی خشونت‌خواه، وحشت‌زده، و بسته تنها محصول یک قرن فعالیت مدرنیسم شرقی است. داعش حاصل و نتیجه طبیعی و تدریجی چیزی است که مدرنیسم شرقی صد سال است آن را تولید می‌کند و هر بار به شیوه و ماهیتی دوباره به میدان می‌فرستدش. فاشیسم داعشی اتحاد فاشیسم غیرسکولار و سکولاریسم در فرم جدید است (همان: ۱۹).

بختیار علی در فرازی دیگر هراس از نابودی به دست دیگری را سرچشمه هویت‌خواهی و نفی دیگری و کشتار آن می‌داند و تصریح می‌کند:

گفتمان بقا از گفتمان یک نیرو و گروهی خاص تبدیل به گفتمان تمام نیروها می‌شود. فویبای نابودشدن از فویبای یک ملت ضعیف تبدیل به فویبای همه ملت‌ها و همه هویت‌ها می‌شود ... در این جا دیگر هویت نوعی از جهان‌بینی نیست. شناس‌نامه‌ای دینی یا فرهنگی نیست، بلکه وحشتی همیشگی است. ابزاری وحشت‌زده است که تنها از راه جنگ و خون‌ریزی و از طریق به‌بیرون‌افکندن خود می‌تواند به زندگی ادامه دهد و زنده بماند (همان: ۲۰).

طبق توضیح بختیار علی، در قالب چنین برداشتی هویت به موتور محرکه و رانه‌ای اساسی بدل می‌گردد و با تأکید بر صفاتی چون ابدی — ازلی بودن، بی‌پایان بودن، ثابت، آسمانی، و کهن‌بودگی به سلاحی وحشت‌بار تبدیل می‌شود. این هویت نامیرا،

سوژه‌های ترسان را آرام و آن‌ها را تبدیل به بخشی از پروسه سیاسی می‌کند. پروسه‌ای که از آن‌ها سوژه‌های تسلیم‌شده می‌سازد. سوژه‌ای که از طریق ارتباط با نیرویی ابدی و جاودان، بر ترس خود فائق خواهد آمد. از طریق توهم جاودانه بودن سوژه‌ها تسلیم آن ابزاری می‌شوند که آن‌ها را فرامی‌خواند. در این جا، دیگر نشانی از مرگ نیست. سوژه فاشیستی تاحدودی بر این باور است که با بخش جاودان جهان پیوند خورده است؛ به همین خاطر، به سادگی به قتل می‌رساند و به آسانی نیز تسلیم مرگ می‌شود و خود را به کشتن می‌دهد. در این وضعیت، ترس از نابودشدن تبدیل به ابزار کارکردن و فعالیت تمام ماشین‌های فاشیستی می‌شود (همان: ۲۱).

ترسیم تبار و کارنامه داعش و خشونت‌هایش را زیباتر از این فراز نمی‌شد روایت کرد. صدها نفری که به حکم تعلق به یک جهان‌بینی والا جهانیان را به سخره می‌گیرند و هیچ ارجی برای جان و خون و مال و حیثیت مخاطب قائل نیستند، به وضوح در قالب گفتمان بختیار علی قابل فهم است. به زبان بختیار علی،

داعش، بعث، و تعدادی نام‌های دیگر ماشین‌های فاشیستی هستند که نیرویشان در این است که در شیوه‌های ناهماهنگ و متضاد ظاهر شوند. در این جا ساختار کلی از طریق تقدیس تفاوت میان بخش‌های مختلف عمل می‌کند ... فاشیسم عبارت است از خشونت‌ی که هرگز به هدف خود نخواهد رسید و هرگز پیام خود را به طور کامل انتقال نخواهد داد. نیرویی است که همیشه باید خود را در نبردی دیگر به پایان برساند. این نرسیدن به هدف موجب می‌شود نیروهایی به میدان بیایند که در نبرد همیشگی باشند و از نبردی به نبرد دیگر بروند. تنها از این نظر می‌توانیم بفهمیم که چرا نیروهایی مانند حزب بعث و داعش به میدان می‌آیند که نمی‌توانند نجات‌بخشند، نمی‌توانند توقف کنند، نمی‌توانند از یک ویران‌گری به ویران‌گری دیگر نشوند (همان: ۲۶).

عزم فاشیسم شرقی (مورد داعش) برای ساختن و بازآفرینی انسان در طراز نوین دیگر نبوغ بختیار علی در کتاب است که هم آموزنده و هم قابل تأیید است. در نگاه نویسنده کتاب *داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی*، داعش فقط در پی آن نیست که یک نظام سیاسی خاص را از میان بردارد، بلکه این گروه می‌خواهد تمامی نظم اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، جنسیتی، و فرهنگی را درهم بشکند و با زیرورکردن منطق کلی جامعه اسلام جدید و خدای جدید و نظام جدیدی بسازد که همگی در خدمت ساخت یک انسان کاملاً نو متبلور شوند. بختیار علی پیش‌نهاد می‌کند که فقط با انهدام فاشیسم است که می‌توان خشونت داعشی و دیگر خشونت‌های ناسیونالیستی و دینی را از بین برد.

برای این‌که بتوانیم فاشیسم را متوقف کنیم باید ترور هویت را از میان برداریم. ترور هویت دینی، ناسیونالیستی، و جنسیتی. باید این خواسته را از یک خواست لیبرالی احمقانه به یک معادله نیرومند میان هویت‌ها و پدیده‌ها از طریق انتخابات تغییر دهیم و آن را به انتقاد شدید از کل نظام کنونی شرقی و اصول بنیادی و عملی آن تبدیل کنیم. همان اصولی که عبارت است از پایمال کردن فرد در زیر فشار هویتشان، پایمال کردن انسانیت اسلام‌گرایان در زیر فشار هویتشان، پایمال کردن انسانیت ترک‌ها در زیر فشار پان‌ترکیسم، تغییر پان‌عریسم به ابزاری از بین‌برنده به منظور درهم‌شکستن انسانیت سوژه‌های عرب. ضدیت با فاشیسم از آن جا آغاز خواهد شد که انسان‌ها به گونه‌ای دیگر،



خواسته و هویت خود را تعریف کنند. آغازگاه هر نوع مقابله با فاشیسم باید نفی هویت‌ها، پیام‌ها، و جنگ‌های تقدیس‌شده باشد (همان: ۲۹).

در یک کلام، می‌توان گفت که جبر هویت‌های بزرگ کانون صدور بحران‌های گوناگونی است که شرقی‌ها را به ستوه آورده است و بختیار علی با تمرکز بر این کانون روایتی نو و قابل تأیید از رواج خشونت در شرق عرضه می‌دارد. او به‌جای تمرکز بر وقایع بر افکار می‌پردازد و اندیشیدن به سیاق دیگر را مقدمه‌ای برای زیستن به روالی متفاوت می‌نگرد.

### ۵. با کدام‌یک از مطالبی که در کتاب بختیار علی یافتیم مخالف هستیم؟

همان‌گونه‌که در ابتدای این مقاله خاطر نشان ساختیم، در مواجهه با هر متنی پاره‌ای موارد قابل تأمل نیز به چشم می‌آید که شایسته است فقط در جای خاص خود ذکر شود و مضامین قابل تأمل یافته‌های درخشان متن را تحت‌الشعاع قرار ندهد. معمولاً موارد قابل تأمل یک یا ترکیبی از موارد زیر می‌تواند بود:

۱. تناقض‌گویی مؤلف کتاب و فقدان دستگامی نظری و منسجم (نظریه‌پردازی)؛
۲. طرح استدلال‌های ضعیف و اکتفا به شواهد و وقایع به‌جای دلیل (روش‌شناسی)؛
۳. ابداع یا کاربست مفاهیم چلاق یا بیش‌فعال و به‌طور کلی هر مفهومی که یا از عهدهٔ ایضاح معنا برنیاید یا در اهمیت آن معنی اغراق کند (مفهوم‌شناسی)؛
۴. تدارک راه درست و میسر برای رهایی از دغدغه یا دامی که به‌باور مؤلف اهمیت حیاتی دارد (راه‌بردنگاری).

بر مبنای چهار موضوع یادشده و باوجود تمامی امتیازاتی که کتاب بختیار علی دارد می‌توان کاستی‌هایی را بری آن برشمرد. این کاستی‌ها موارد استاندارد هستند، یعنی پیوندی با جهت‌گیری نویسنده/ناقد ندارند. به‌عبارت‌دیگر، مطالبی که به‌عنوان کاستی در پی می‌آیند نه برخاسته از جهت‌گیری فکری بختیار علی است و نه محصول تعلق خاطر و اندیشهٔ ناقد. در تأملی بی‌طرفانه بر کتاب بختیار علی ابهام‌ها، تضادها، و ادعاهای پرشماری به چشم می‌آیند که اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

### ۱.۵ تکاپوی روشن‌فکرانه برای فهم یک پدیدهٔ استراتژیک

کار روشن‌فکر نقد، کار دانشمند کشف و ابداع، و کار سیاست‌مدار تصمیم‌مبتنی بر ضرورت است. پریدن از یک حوزه به دیگری زمینه‌ها و احتیاط‌های بسیاری لازم دارد که معمولاً از

عهده غالب افراد بیرون است. کتاب بختیار علی نکته‌های خوبی دارد، اما موارد غیرتحقیقی و آزمون‌گریز هم فراوان دارد. تأملات رماتیک و آرزومندانه در صحنه عمل استراتژیک کتاب بختیار علی را از رده خود خارج کرده است، به گونه‌ای که این کتاب را نه می‌توان یک نقد روشن‌گرانه قلمداد کرد، چون علاوه بر نقد تجویز عملی هم کرده است و نه می‌توان این کتاب را یک دست‌ورکار عملیاتی قلمداد کرد، برای این‌که لبریز از مفاهیم تفسیرپذیر و ایدئولوژیک (مانند خشونت شرقی، عقل فاشیستی، کمونیسم دادگر، عقلانیت سیاسی کوتاه‌بین، فویبای نابودی، لیبرالیسم بازاری، لحظات رادیکال، و ...) است. غلبه آهنگ ادبی و صرف‌ونحو را بر معنا می‌توان در جای‌جای کتاب نشان داد که به‌بهای قربانی‌شدن مضمون و معنا فراهم آمده است. این‌که خشونت شرقی شکل و تقلیدی نارسا از خشونت در غرب سرمایه‌دار است، بسیار مبهم است. بختیار علی به‌وضوح توضیح نمی‌دهد که کدام بدکارکردی سرمایه‌داری در شرق موجب ظهور داعش شده است. از اساس، تلقی شرق به‌عنوان قالب رشد خشونت داعشی/بعثی و ... محل اشکال عمیق است. چنین بیانی متضمن اطلاق یک کارکرد خاص به شرق در برابر غرب است. گویی سانحه یا فاعده‌ای در شرق هست که جریان عقلانیت را آلوده می‌کند.

تکریم هویت یا تعطیلی آن هر دو از کتاب بختیار علی مستفاد می‌شود. او از یک‌سو، خواهان انهدام هویت‌گرایی ازلی و ابدی است و از سوی دیگر، از آزادسازی هویت‌های قومی، جنسیتی، و دینی پیروان و متعلقان حرف زده است. یعنی اقلیت‌های دینی، مذهبی، قومی، و حتی جنسیتی نمی‌دانند که سخن بختیار علی تا چه اندازه می‌تواند به حذف یا احیای هویت آن‌ها منتهی شود. به عبارت روشن، این‌گونه استنباط می‌شود که هویت‌گرایی حرکتی ضدعقلانی و خشونت‌گراست، اما نویسنده در فراز پایانی اثر خویش خواهان آزادسازی هویتی می‌شود و حصر هویتی را عملی نامشروع و توجیه‌ناپذیر می‌شمارد.

## ۲.۵ تحلیل دترمینیستی خشونت

بختیار علی آن‌جاکه از صدور خشونت از سوی دستگاه سرمایه‌داری سخن می‌گوید نویدبخش سخنی تازه است و انتظار این بود که از استحاله سوژه زیر امواج قانون، رقابت، مافیا، و رسانه صحبت شود، اما باوجود این انتظار، بختیار علی درخصوص علت اصلی خشونت داعشی حرف روشنی ندارد؛ یعنی اگر عده‌ای خشونت ارتكابی داعش را به انتقام، تصمیم عقلانی، شریعت، یا رقابت بین نیروهای مضطرب (مانند سنی‌های عرب عراق یا

علوی‌های سوریه و حتی اعضای خارجی داعش) نسبت می‌دهند، واقعاً معلوم نیست که بختیار علی علت این خشونت داعشیان را به‌طور مشخص در چه چیزی جست‌وجو می‌کند. درست است که او جملات درخشان زیادی در کتاب دارد که هر یک بسیار نورانی‌اند، اما غالب بحث‌های بختیار علی در تبیین خشونت فقط مکانیسم و پویایی‌های خشونت را تبیین می‌کند نه چرایی و دلایل بنیادین آن را (آرنت ۱۳۵۹: ۵۴).

در فصل دوم کتاب که «هویت ابدی/ هویت موقت: تلاشی برای خوانش ثبات و تغییر هویت در شرق» نام دارد، انبوهی از مطالب مبهم و گزاره‌های اثبات‌نشده تلبار شده است. واژه شرق که در پیشانی این فصل قرار گرفته، نخستین ابهام است. بختیار علی معلوم نمی‌کند که مقصودش از شرق کدام منطقه جغرافیایی یا کدامین لحظه تاریخی است. از توضیحات فصول دیگر این‌گونه به‌نظر می‌رسد که مقصود بختیار علی از شرق منظومه‌ای غیرغربی است. این تقسیم‌بندی بختیار علی یادآور نقدی است که ادوارد سعید به شرق‌شناسی غربی‌ها وارد می‌داند. به‌باور سعید، غربی‌ها برای بیان مرجعیت خود جهان را به دو قسمت تقسیم می‌کنند: غرب و بقیه یا همان West & Rest! که اوج تحقیر منظومه‌ای از فرهنگ‌ها، تاریخ، و تمدن‌هایی است که قرن‌های متمادی وجود داشتند و اتفاقاً در چین و ایران و هند و ژاپن منشأ پیشرفت‌های مهمی بودند. وقتی در کتاب بختیار علی از شرق سخن می‌رود، معلوم نیست کدام صفحه از دفتر شرق است که مأمّن و مقصد گروه‌های خشونت‌باری چون داعش است.

علاوه‌بر مفهوم شرق، مفهوم فاشیسم و اطلاق آن بر شرق نیز آکنده به ابهام است. فاشیسم یا پرستش و تقدیس گروه‌های ویژه و برگزیده اختصاص به شرق ندارد و حداقل این است که بختیار علی درخصوص ممیزات این قسم از فاشیسم توضیح نداده است. اگر گفته شود که حکمرانی در شرق مبتنی بر سنت، دین، ایدئولوژی، پدرسالاری، قبیله‌گرایی، استبداد، و خاندان‌سالاری بوده است، هیچ ایرادی نیست. این قسم حکومت‌ها می‌توانستند فاشیستی هم باشند، اما قرارداد مفهوم «فاشیسم شرقی» بر جلد کتاب و مبهم‌رها کردن آن نقصانی بس عظیم است.

خشونت‌بار نامیدن شهرهای بزرگی مانند بیت‌المقدس، کرکوک، بیروت، بغداد، و حلب و آمادگی آن‌ها برای انفجار هویتی یکی از ده‌ها عبارت قابل‌مناقشه‌ای است که در جای‌جای کتاب بختیار علی درج شده است و انبوهی از داوری‌ها براساس این مبنای ناصحیح استوار شده است (Oleary et al. 2005: 173). جمله بختیار علی در این مورد بدین قرار است:

هم‌زمان که شهرها بزرگ‌تر می‌شوند، معماری شهر تغییر می‌کند و جغرافیای جدیدی متولد می‌شود، اما شهر مدرن به‌جای این‌که بتواند هویت‌های فرعی را از بین ببرد، قبیله‌ها را در خود ذوب کند، مذاهب را به هم نزدیک کند، و ملت‌ها را در کنار هم بنشانند، تبدیل به مکان برخورد و مبارزه و نبرد میان پارادوکس و تضادهای دردناک و تاریک می‌شود. شهر تبدیل به مکانی می‌شود که هویت‌های ابدی آن را به میدان جنگ همیشگی خود تبدیل می‌کنند ... در حال حاضر، متروپل و کلان‌شهرهای مدرن شرقی گرچه در ظاهر جنب‌وجوش و تغییر نشان می‌دهند، اما در باطن و نهان خود باغچه کشت و احیای احساسات تغییرناپذیر و حافظ هویت‌های ابدی شرقی هستند. در شهرهایی مثل بیت‌المقدس، بیروت، بغداد، کرکوک، و حلب امکان انفجار وجود دارد (بختیار ۱۳۹۴: ۴۱).

در این‌جا بختیار علی به‌جای تشریح دلایل شواهد و محصولات را توصیف می‌کند و به‌جای پرداختن به مقولات تحرک‌بخشی مانند ایدئولوژی منفعت‌خواهی، حامی‌پروری، و هویت مذهبی بر چند شهر چندملیتی و چندمذهبی متمرکز می‌شود و شهرهای شرقی را آبستن خشونت می‌نامد. این درحالی است که بسیاری از شهرها هستند که اتفاقاً به‌جای برجسته‌سازی و حفظ هویت یک‌سان‌سازی و شبیه‌سازی هویتی هم کرده‌اند. شهرهای استانبول، باکو، دوی، بمبئی، تهران، کوالالامپور، دهلی، و ... نیز شهرهایی شرقی‌اند، اما آبستن حوادث هویتی نیستند و آنچه هویت‌ها را در مناطقی مانند بغداد و کرکوک رویاروی هم قرار داده نه شهر یا ساختار معماری آن، بلکه اضطراب و هراس ناشی از نابودشدن آن است. به‌عبارت‌دیگر، هیچ رشته پیوندی سیمای پیوند مردم این شهرها نشده است و انسان‌ها فقط و فقط با هویت‌های قومی، نژادی، مذهبی، و دینی خود شناخته می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر، ناسیونالیسم ابتدایی و بدوی (تفاخر به لباس، زبان، رنگ پوست، و نژاد) به‌قدری قوی و ریشه‌دار است که مجالی برای ناسیونالیسم مدنی (اشتراک فکری، دولتی به‌علت ارزش مشترکی چون آزادی بیان) باقی نهماده است. بختیار علی همه این محرومیت‌ها را نادیده می‌گیرد و با نگاهی زلال، اما غیراستراتژیک قصد دارد همه ناملازمات را با اتکا بر هویت تشریح کند. غافل از آن‌که هویت‌خواهان آتشین هم قربانی نوعی تحقیر، کینه، تبعیض، و آگاهی‌کاذب و مخدوش هستند. هویت‌خواهی خام و انکارگرا هنگامی رونق می‌گیرد که کانون‌های بازتولیدکننده و تهییج‌کننده آن همواره فعال باشند و کانون‌ها یا مراکز تعدیل‌کننده و انتقادی آن ضعیف و غایب باشند. کودک یتیمی که از قندهار به پاکستان و در نهایت، به سوریه گسیل می‌شود

به حکم هویت خواهی انتحار نمی کند، بلکه او را کانون های ثروت، ایدئولوژی، و قدرت سیاسی اجیر کرده اند تا بعد از شست و شوی مغزی به بهشت افسانه ای برسد. عجیب این که محافل مدیریت عملیات های انتحاری بعد از این که کسی را استخدام می کنند و به هدف مورد نظر می کوبند باز هم رهاش نمی کنند و این بار با شهید نامیدن او از کودکان و نوجوانان دیگر می خواهند راه آن شهید سعید را ادامه دهند. بختیار علی دست های پنهان را در پشت این هویت خواهی به هیچ می گیرد و در عوض، صف آرایی هویت ها را در مقابل هم منشأ خشونت می شمارد.

## ۶. نتیجه گیری

کتاب *داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی* در عداد معدود آثار تأملی در باب ریشه های پدیداری خشونت در منطقه خاورمیانه و حتی نیم کره شرقی عالم است. جسارت و صراحت نویسنده کتاب در ترکیب انواع نظریه ها و روش ها بسیار شایان توجه است. او به طرز جالبی نظریه های پیچیده ای مانند لکان، هگل، ژیاک، و مارکس را درهم آمیخته و چنین نتیجه می گیرد که داعش سرباز فراری کاپیتالیسم پادگانی است که غربی ها فرمان دهی آن را برعهده دارند. متأسفانه، این ادعای بزرگ بدون ارجاع کافی و فقط با تکیه بر تفحص و تأمل شخصی نگارنده به کتاب بدل شده است و هیچ استدلالی در چرایی رجوع به این متفکران یا متد کاربست آن افکار بر این تحول عظیم ارائه نشده است. علاوه بر آن، نویسنده تصریح نمی کند که مقصودش از بهره گیری از واژگان بزرگی مانند خشونت شرقی و عقل فاشیستی چیست. رویکرد کتاب در جست و جوی ریشه هایی تازه و بکر برای گروه های خشونت باری مانند داعش قابل تحسین است، اما لازم بود که برای دلیل و روش چنین اتصالاتی استدلال آورده شود. مترجم محترم کتاب نیز با ارائه ترجمه ای پاکیزه و دقیق کوشیده است فکر بختیار علی را به مخاطب ارائه کند، اما گزینش برخی گفت و گوها و مقالات دیگر بختیار علی که در مورد موضوعات و مباحثی دیگر هستند کمکی به ابهام های نهفته در افکار بختیار علی نمی کند. این کتاب سخت است، چون موضوعی کاملاً استراتژیک را در ژانری ادبی و روشن فکرانه ارائه کرده است و به همان اندازه که برای اهل ادبیات داستانی و رمان جذاب است در نگاه استراتژیست ها نگاهی رمانتیک به مسئله ای کاملاً ملموس و زمینی است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. بختیار علی در سلیمانیه عراق و در ۱۹۶۱ م متولد شد. در ۱۹۸۴ م در رشته زمین‌شناسی دانشگاه سلیمانیه پذیرفته شد. او غالباً در حوزهٔ رمان، نقد سانسور، و ادبیات جنگ قلم زده است. غروب پروانه، آخرین انار دنیا، مرگ تک‌فرزند دوم، غزل‌نویس و باغ‌های خیال، آیا با لکان می‌توان انقلابی بود، نردبانی در غبار، قصر پرندگان غمگین، شهر موسیقی‌دانان سفید از جمله آثار بختیار علی هستند. او ده‌ها مقاله در نقد و شرح و تفسیر مسائل اجتماعی روز به‌چاپ رسانده است. ترکیب نظریه‌های سیاسی و تأملات ادبی با مباحث روز (مانند داعش و کارهای خشونت‌بارش) کارهای بختیار علی را بسیار خواندنی کرده است. علاوه‌براین، تجربهٔ زیستهٔ بختیار علی نگاه او را متمایز می‌کند. تجربهٔ شخصی او ژانر بسیاری از کارهایش را تشکیل می‌دهد. زیستن در خانواده‌ای شلوغ و پر تعداد، مشاهدهٔ سانسور، تعقیب، محاکمه، بمباران، آوارگی، و نیز تجربه‌های شخصی دیگر کتب و مقالات بختیار علی را بارور کرده‌اند و آن‌ها را از آرایش‌های تصنعی مصون ساخته است. کتاب داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی را می‌توان مرام‌نامهٔ بختیار علی تلقی کرد. او به شرحی که پیش‌روی شماسست برداشت خودش را از ریشه‌ها و آیندهٔ بحران روایت کرده است.

۲. کوبانی یا عین‌العرب (در زبان عربی) در شمال شرق حلب و شانهٔ شرقی رود فرات واقع شده است. این شهر فقط دو کیلومتر با نقطهٔ صفر مرزی ترکیه - سوریه (حلب) فاصله دارد. جمعیت این شهر بالغ بر پنجاه هزار نفر است. در سپتامبر ۲۰۱۴ داعش برای اتصال به مرز ترکیه تصمیم گرفت کوبانی را تصاحب کند و به همین علت، محاصرهٔ این شهر آغاز شد. مهم‌ترین گروه مدافع در کوبانی یگان‌های مدافع خلق بودند که با مشی چریکی و خاستگاه کردی در مقابل داعش ایستادگی کردند. جمعیت بی‌امان نیروهای ائتلاف از هوا و مقاومت شایان تحسین یگان‌های مدافع خلق و دیگر کردهای منطقه داعش را وادار به عقب‌نشینی کرد. مبارزان کرد کوبانی ویژگی‌هایی داشتند که آن‌ها را از دیگر رزمندگان ضد داعش متمایز می‌کرد: حضور فعال زنان در خط مقدم، درگیری کوچک‌به‌کوچک با داعش، و بالاخره نرسیدن از خشونت‌های خوفناک داعشی نیروهای مدافع کوبانی را به نماد کردی ایستادگی در برابر داعش بدل ساخت. مقاومت کردها که با پشتیبانی وجدان جهانی همراه بود به‌اضافهٔ رسوایی بین‌المللی داعش دست‌به‌دست هم داد و بحران را در کوبانی جهانی کرد. علاوه‌براین، بحران اشغال و بازپس‌گیری کوبانی در عصر دیجیتال صورت گرفت. به‌کمک این رسانه‌های ارزان و گسترده وجدان کردهای مقیم در اقصی نقاط جهان به هم نزدیک شد و این تجربه نشان داد که حس هویت‌خواهی هم‌چنان فعال و قدرت‌مند است. پشتیبانی فکری، عاطفی، و مالی کردهای عراق و ترکیه مبارزان کوبانی را مصمم کرد تا مقابل داعش ایستادگی کنند. درپرتو این تجربه بود که جنگ کوبانی جهانی شد و به موضوع مباحثهٔ متفکران کردی بدل گردید.

۳. لایب گرینفلد در مقاله‌ای با عنوان «ملی‌گرایی: پنج راه به سوی مدرنیته» نقش مدرنیته را در شکل‌گیری هویت و ملیت تشریح کرده است (Greenfeld 2000: 558-587).

۴. آرنت در کتاب *خشونت* به نقل از هارولد لاسول در کتاب *تأملاتی در باب خشونت* نقل می‌کند: بحث در باب خشونت هم‌چنان بسیار تاریک مانده است. به نقل از رایت میلز هم آورده است که: سیاست سراسر مبارزه‌ای است برای کسب قدرت و بالاترین نوع قدرت سیاست است (آرنت ۱۳۵۹: ۵۴).

استیفن ریچر و نیک هاپکینز در *خود و ملت شیوه شکل‌گیری یا شکل‌دادن را به دیگری* شرح داده است. او این سؤال را مطرح می‌کند که چه اتفاقی می‌افتد که ما عده‌ای را دگر تلقی و تعریف می‌کنیم (Reicher and Hopkins 2001: 62-65).

برندان اولیری به هم‌راه جان مک‌گاری و خالد صالح با بررسی میدانی شهر کرکوک گذشته و آینده این شهر را مورد کاوش علمی قرار داده‌اند. این سه برخلاف بختیار علی، با مطالعه روندهای جاری در کرکوک سناریوهای ممکن و محتمل را ارائه کرده‌اند (برای اطلاع بیشتر، بنگرید به Brendan et al. 2005).

## کتاب‌نامه

آرنت، هانا (۱۳۵۹)، *خشونت*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: خوارزمی.  
علی، بختیار (۱۳۹۴)، *داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی*، ترجمه سردار محمدی، تهران: نشر مرکز.

Brendan, Oleary, John McGarry, and Khaled Saleh (eds.) (2005), *The Future if Kurdistan in Iraq*, Philadelphia: University of Philadelphia Press.

Greenfeld, Liab (2000), "Nationalism: Five Road to Modernity", in: *Nationalism: Critical Concepts in Political Science*, John Hutchinson and Anthony Smith (eds.), New York and London: Routledge.

Reicher, Stephen and Nick Hopkins (2001), *Self and Nation*, London: Sage Publications.